

## تحول شناخت و استدلال نوجوانان دختر و پسر راهنمایی

## در رفتارهای جامعه‌یار و مساعدت به دیگران

تاریخ دریافت مقاله: 90/2/23

تاریخ پذیرش مقاله: 90/6/2

حمیدرضا عریضی<sup>1</sup>محسن گل‌پرور<sup>2</sup>

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی تحول شناخت و استدلال نوجوانان دختر و پسر راهنمایی در رفتارهای جامعه‌یار و مساعدت به دیگران در شهر اصفهان به مرحله اجرا درآمد.

روش: جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس راهنمایی شش ناحیه شهر اصفهان تشکیل داده‌اند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای 120 دختر و 120 پسر (در مجموع 240 نفر) برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش شامل معمای جشن تولد آیزنبرگ، لنون و رات (1983) برای سنجش استدلال شناختی رفتار جامعه‌یار و مقیاس رفتار مساعدت به دیگران هورنای و کولین (2004) بوده است. داده‌های حاصله با استفاده از Z گلاس و آزمون t گروه‌های مستقل مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته‌ها حاکی از آن بود که بین سطوح استدلال شناختی رفتار جامعه‌یار (شامل جهت‌گیری نیاز به دیگران، جهت‌گیری تأیید، جهت‌گیری همدلانه و جهت‌گیری ارزشهای درونی) در بین دختران و پسران سه گروه سنی 12، 13 و 14 سال تفاوت معناداری وجود ندارد ( $P < 0/05$ )، اما مقایسه سنی (نه بر مبنای جنسیت) در سطوح استدلال

1 - نویسنده مسئول: دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

dr.oreyzi@edu.ui.ac.ir

2- دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان

شناختی رفتار جامعه‌یار حاکی از آن بود که گروه سنی 14 سال کمتر از گروه سنی 12 و 13 سال در سطح جهت‌گیری تأیید هستند، اما در سطح جهت‌گیری همدلانه بالاتر هستند. در مساعدت به دیگران نیز شواهد نشان داد که دختران هر سه گروه سنی 12، 13 و 14 ساله در سه حوزه نועدوستی، نیاز به رابطه و خود خوارسازی به طور معناداری ( $P < 0/05$ ) دارای میانگین بالاتری هستند.

**نتیجه‌گیری:** شواهد حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای جامعه‌یار دانش-آموزان دختر و پسر ایرانی از شخصیت آنها تأثیر زیادی می‌پذیرد. کلید واژه‌ها: رفتار جامعه‌یار، مساعدت به دیگران، نوجوانان، دوره راهنمایی.

## Cognitive and reasoning development of student's in prosocial behavior and compliance.

Hamid Reza Oraeizi  
Mohsen Golparvar

### Abstract

**Introduction:** The aim of this research was to investigate cognitive and reasoning development of prosocial behaviors and compliance among guidance school boys and girls in Isfahan city.

**Method:** The sample included 120 boys and 120 girls which were selected through stratified random sampling from six regions of Esfahan city. Research instruments were: Eisenberg, Lennon and Roth's birthday riddle for assessment of prosocial behavior reasoning level along with Horney and Coolidge's Compliance Questionnaire with 15 items for assessment of helping others. Data were analyzed using Glass's Z and independent sample t test.

**Results:** Results showed that there isn't significant differences between prosocial behavior reasoning levels of three age groups of boys and girls (12, 13, 14 years old boys and girls,  $P > 0.05$ ). Comparison between the three groups in prosocial behavior reasoning levels showed that 14 years old group is the lowest in confirm orientation from 12 and 13 years old groups but is the highest in empathy orientation from them ( $P < 0.05$ ). In compliance results showed that girls in all three age groups (12, 13 and 14

years old) in domains of altruism, need to relation and self-defeating had highest mean from three boys groups.

**Conclusion:** Evidences of current research revealed that prosocial behaviors of Iranian male and female students many influenced by their personality.

**Keywords:** prosocial behavior, compliance, adolescences, boys, girls, guidance school.

#### مقدمه

انسانها از هنگام تولد، پای به دنیایی می‌گذارند که برای آنها شرایط جامعه‌پذیری<sup>1</sup> و سازگاری با زندگی جمعی و گروهی را فراهم می‌کند. در این سیر انسان در درجهٔ اول از طریق خانوادهٔ بلافصل خود و سپس با گذر زمان از طریق محیط‌های اجتماعی گسترده‌تر نظیر مدرسه، اجتماع، محله و امثال آن روند تحول خود را سپری می‌کند (گارنر<sup>2</sup>، 2003؛ باچ راج، فاکس و نیکولسون<sup>3</sup>، 2004؛ داویدوف و گروسک<sup>4</sup>، 2006). در واقع تغییرات تحولی دوره‌ای در حوزه‌های شناخت و به ویژه شناخت اجتماعی<sup>5</sup> بسان دیگر حوزه‌های تحولی (نظیر تحولاتی که در ساختارهای رفتاری و شخصیتی به وقوع می‌پیوندد) توجهات محققان حوزه‌های مختلف روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را به خود جلب نموده است.

در حوزه شناخت اجتماعی، یکی از مباحثی که سیر تحول آن مورد توجه قرار گرفته، استدلال‌های شناختی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار<sup>6</sup> (که در پیشینهٔ تحقیقات تحت عنوان رفتارهای جامعه‌پسند و رفتارهای مطلوب اجتماعی نیز مطرح می‌باشد) است که تاکنون تحقیقات تقریباً جامع و وسیعی بر روی آن صورت گرفته است (آیزنبرگ و والته<sup>7</sup>، 2002). به باور بیرهوف (1384) علی‌رغم اینکه بین یاری‌رسانی<sup>8</sup>، رفتارهای اجتماعی

1. socialization

2. Garner

3. Burbach, Fox & Nicholson

4. Davidov & Grusec

5. social cognition

6. prosocial behaviors

7. Eisenberg & Valiente

8. helping

مطلوب و رفتارهای نועدوستانه<sup>1</sup> تفاوت‌های بسیار ظریفی وجود دارد، اما میان انواع رفتارهای اجتماعی مطلوب نظیر نجات جان انسانی که در حال غرق شدن است، اهدای پول برای مصارف خیریه، یا راهنمایی صحیح یک فرد بیگانه در شهر تفاوت‌های کاملاً محسوس و مشخصی وجود دارد.

در کنار تنوع رفتارهای جامعه‌یار، نکته حائز اهمیت دیگر روند نحوه رشد و تحول این رفتارهاست. مگنوسن، برگمن، رودینگر و تورستد<sup>2</sup> (1994) اظهار داشته‌اند که فقدان بررسی‌های طولی<sup>3</sup> و بلندمدت برای شناخت و توضیح الگوهای تحول فردی در حوزه رفتارهای جامعه‌یار باعث گردیده تا این رفتارها و روندهای تحولی آنها چندان پیشرفت چشمگیری را در پیکره دانش بشر نداشته باشند. با این حال مطالعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد رفتارهای جامعه‌یار از حدود سن دوسالگی در کودکان دیده می‌شود (زان واکسلر، رادکه - یارو، واگنر و چاپمن<sup>4</sup>، 1992؛ هافمن<sup>5</sup>، 2000؛ گیل و کال کینز<sup>6</sup>، 2003؛ هستینگز، هستینگز، زان واکسلر و مک شین<sup>7</sup>، 2005). البته بر پایه این تحقیقات مشخص گشته که که رشد رفتارهای جامعه‌یار ماهیتاً کند و آهسته است (زان واکسلر، 2000).

در اولین سالهای زندگی (سال اول و دوم) میزان واکنشهای مثبت اجتماعی بسیار ضعیف است، ولی از حدود چهارسالگی این روند شتاب تندی نسبت به سالهای اول و دوم به خود می‌گیرد (گروسک<sup>8</sup>، 1991؛ هی و پال بی<sup>9</sup>، 2003؛ پرسون<sup>10</sup>، 2005). در کودکان 4 تا 7 ساله رفتارهایی نظیر کمک کردن، نشان دادن توجه و نگرانی، داد و ستد مشارکت جویانه، مهربانی/ تحسین و حمایت کردن و دلداری دادن به عنوان نمودهای اصلی رفتارهای جامعه‌یار ثبت و گزارش شده است (فابس، آیزنبرگ، نیومن و میشلیو<sup>11</sup>، 1991؛ اسکار فیلد، جان، مارتین و مک گافین<sup>12</sup>، 2004؛ استرایر و رابر تر<sup>13</sup>، 2004). این

9. altruistic behaviors

1. Magnusson, Bergman, Rudinger & Forestad

2. longitudinal studies

3. Zahn - Waxler, Radke-Yarrow, Wagner & Chapman

4. Hoffman

5. Gill & Calkins

6. Hastings, Zahn-Waxler & McShane

7. Grusec

8. Hay & Pawlby

9. Persson

10. Fabes, Eisenberg, Nyman & Michealieu

11. Scourfield, John, Martin & McGuffin

12. Strayer & Roberts

روند در سالهای بعدی رشد و به ویژه در دوره نوجوانی ادامه می‌یابد (اولوتاس و آک سوی<sup>1</sup>، 2009). اما نکته محوری و در واقع سؤال کلیدی در این حوزه این است که کودکان و نوجوانان برای این رفتارها چه استدلال‌هایی (در حوزه شناختی و به تبع آن اخلاقی) ارائه می‌کنند. آیزنبرگ، میلر، شل، مک‌نالی و شی<sup>2</sup> (1991) استدلال‌های شناختی و اخلاقی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار را در یک مطالعه طولی طی 4 تا 20 سالگی مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه طولی و نتایج حاصل از آن بخش اعظمی از خلأ دانش مرتبط با نحوه تحول رفتارهای جامعه‌یار و استدلال‌های شناختی و اخلاقی معطوف به آن را پر کرده است.

مبنای مطالعه طولی آیزنبرگ و همکاران (1991) که تمرکز اصلی آن بر استدلال‌های شناختی و اخلاقی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار است، بر پایه این استدلال آیزنبرگ استوار بوده که افراد در بحرانهای فرضی اخلاقی و در کشمکش باتکلیفی‌ها و تردیدها، حق انتخاب دارند که از بین یاری‌رسانی و عدم یاری‌رسانی یکی را انتخاب کنند. انتخاب هر یک از این دو مقوله و دلیل شناختی و اخلاقی این انتخاب است که سطح تحولی رفتارهای جامعه‌یار را مشخص می‌کند. بر پایه مطالعات طولی مذکور پنج جهت‌گیری و سطح تحولی در استدلال‌های اخلاقی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار شناسایی شده است: جهت‌گیری خودمحوری و لذت‌جویانه<sup>3</sup>، جهت‌گیری به‌سوی نیازهای دیگران<sup>4</sup>، جهت‌گیری تأیید<sup>5</sup>، جهت‌گیری همدلانه<sup>6</sup> و جهت‌گیری درونی‌شده<sup>7</sup>. توالی سطوح مورد اشاره به این ترتیب است که از اشکال تقریباً ابتدایی استدلال شروع می‌شود و به استدلال‌های کامل‌تر و بالاتر می‌رود. در واقع هر سطح بر اساس تعداد طبقه‌بندی‌هایی که برای استدلال‌های اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، نظیر استدلال مبتنی بر اصل خوشی و لذت (برای نمونه اگر به دیگری کمک کنیم از کارها، امور و منافع شخصی باز می‌مانیم)، استدلال مبتنی بر اصالت عمل، جهت‌گیری به سمت نیازهای دیگران (برای نمونه او غمگین است باید برای او کاری کرد)، کلیشه‌های شخصی خوب یا بد، جهت‌گیری

1- Ulutas & Aksoy

2- Eisenberg, Miller, Shell, McNally & Shea

3- hedonistic and egocentric direction

4- needs of others direction

5- confirm direction

6. emphatic direction

7- internalized direction

تأییدی (جامعه این نوع رفتارهای یاری‌رسانی را دوست دارد)، جهت‌گیری همدلانه (اگر آدم خودش بجای این فرد باشد انتظار دارد دیگران کمکش کنند)، عاطفه درونی شده و جهت‌گیری درونی شده (احساس مسئولیت درونی برای کمک به فرد یا افراد) برآورد و تخمین زده می‌شود.

از این مطالعه طولی (آیزنبرگ و همکاران، 1991) استدلال‌های شناختی و اخلاقی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار در نه مقطع از سنین 4 تا 5 سالگی تا 19 تا 20 سالگی جمع‌آوری شد. تعداد پسران و دختران شرکت‌کننده در تحقیق برابر بوده‌اند. شواهد حاکی از آن بود که استدلال مبتنی بر خوشی و لذت (نفع شخصی) که در بین کودکان 4 تا 5 ساله بسیار فراگیر است، با بالاتر رفتن سن کاهش می‌یابد. در عین حال شواهد حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که پسران در دوران بلوغ، در این نوع استدلال (خوشی و لذت) اندکی افزایش را مجدداً نشان دادند و در دختران این افزایش در سنین 19 تا 20 سالگی مشاهده می‌شود. جهت‌گیری به سمت نیازهای دیگران تا 7-8 سالگی افزایش می‌یابد و تا 11 تا 12 سالگی در سطح معینی باقی می‌ماند و پس از آن کاهش می‌یابد.

خود را بجای دیگران گذاشتن، تا سن 13-14 سالگی افزایش می‌یابد و وقتی نوجوان به سن 15 تا 16 سالگی رسید از شدت آن کاسته می‌شود و مجدد در 19 تا 20 سالگی افزایش پیدا می‌کند. روند تحولی مشابهی در جهت‌گیری تأیید بدست آمده است. این جهت‌گیری (جهت‌گیری تأیید) در 15 تا 16 سالگی کاهش پیدا می‌کند و در 19 تا 20 سالگی کمی افزایش را نشان می‌دهد. استدلال اخلاقی کلیشه‌ای تا 13 و 14 سالگی زیاد می‌شود و پس از آن به تدریج کاهش می‌یابد. استدلال مبتنی بر اصالت عمل در تمامی مقاطع سنی افزایش خطی را نشان می‌دهد. در مجموع این مطالعه طولی در راستای تمرکز اصلی بر مطالعات مربوط به رفتارهای جامعه‌یار که جنبه شناختی داشته (پاپالیا و الدز<sup>1</sup>، 1992) حاکی از آن است که کودکان 4 تا 5 ساله استدلال لذت‌جویانه و کودکان 5/5 تا 6/5 ساله جهت‌گیری به سوی نیازهای دیگران را نشان می‌دهند و استدلال‌های مبتنی بر توجه به دیگران، دوراندیشی، عاطفه، ارزشها و معیارهای درونی شده در سنین 7 تا 10 سالگی پدیدار و نمایان می‌شوند. با توجه به پژوهش‌های بین فرهنگی، کودکان در

کشورهای صنعتی اروپا (داهلر و بوکاتکو<sup>1</sup>، 1995)، آمریکا (آیزنبرگ، 1982) و ایران (یوسفی لویه، فرضی، پازند و یوسفی لویه، 1383) بطور مشابه عمل کرده‌اند.

اما بعد از سنین 10 سالگی یعنی در واقع در سنین 12 تا 14 سالگی به ترتیب جهت‌گیری‌های معطوف به نیازهای دیگران، جهت‌گیری تأیید و جهت‌گیری همدلانه نمایان می‌شوند (استرایر و رابرتز، 2004). بنابراین چنانکه ملاحظه می‌شود، رفتارهای جامعه‌یار با فرآیند اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) دارای ارتباط تنگاتنگی است. در واقع در روند و سیر اجتماعی شدن، رفتارهای جامعه‌یار و استدلال‌های شناختی و اخلاقی معطوف به آنها متحول می‌شود. به باور کوزرو روزنبرگ (1378) در فرآیند اجتماعی شدن نوجوانان، رفتارهای مرتبط با نقش اهمیت زیادی دارد، چرا که اعضاء گروه نسبت به وظایف خود در مقابل دیگران مسئول و متعهد بار می‌آیند. اما آنچه که به نظر می‌رسد در حوزه اجتماعی شدن و رفتارهای جامعه‌یار مورد تأکید کمتری قرار گرفته، عناصری به جز عناصر شناختی و اخلاقی هستند. براساس شواهد پژوهشی در اجتماعی شدن افراد هم عناصر شناختی (یوسفی لویه و همکاران، 1383) و هم عوامل شخصیتی (عریضی، عالی و عریضی، 1386) دخیل هستند.

در واقع تحقیقات زیادی علاوه بر روند تحولی رفتارهای جامعه‌یار و استدلال‌های مربوط به آن بر شخصیت مستعد نوعدوستی و کمک به دیگران متمرکز بوده‌اند (پینر و فینکلشتاین<sup>2</sup>، 1998). به باور پینر و فینکلشتاین (1998) افرادی با گرایش‌های شخصیتی یاری‌رسان به دیگران و نوعدوست دارای گرایش مستمر و بادوام نسبت به رفاه و حقوق افراد دیگر بوده، با آنان احساس همدلی می‌کنند و اغلب رفتارهایی از آنان سرمی‌زند که منافع افراد دیگر را تأمین می‌کنند.

در مجموع عوامل شناختی و استدلالی آنگونه که مورد اشاره قرار گرفت، تفاوت‌های بین جنسیتی (زنان و مردان) در رفتارهای جامعه‌یار را نمی‌توانند توضیح دهند (یوسفی لویه و همکاران، 1383)، اما تفاوت‌های تحولی بین سنین را به خوبی توضیح می‌دهند. عریضی و همکاران (1386) نشان داده‌اند در بین زنان ایرانی رفتار جامعه‌یار در اصل از شخصیت اساسی آنها که مبتنی بر از حقوق خود گذشتن، توجه به نیازهای دیگران و همدلی با آنان

1. Daehler & Bukatko

2. Penner & Finekelstein

است، نشأت می‌گیرد. در عین حال مهم‌ترین عامل شخصیتی تأثیرگذار در رفتار جامعه‌یار مساعدت و یاری‌رسانی به دیگران است که در آثار هورنای (1364 و 1367) بازتاب یافته است. هر چند که وی مساعدت به دیگران را به عنوان روان‌آزرده‌خوبی معرفی نموده، اما این تمایل و دیدگاه‌ها بر روی نمونه‌های بهنجار نیز به‌کار رفته است (عریضی و همکاران، 1386). در حوزه نوجوانی و به ویژه سنین دوره راهنمایی در ایران، علیرغم پژوهش‌های خارج از کشور (هستینگز، رایین و دی روز<sup>1</sup>، 2005) مشخص نیست که تفاوت‌های جنسیتی و سنی در حوزه مساعدت به دیگران چگونه است. لذا در این پژوهش با استفاده از روش آیزنبرگ در باب تحول استدلال شناختی - اخلاقی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار نوجوانان در دوره راهنمایی با استفاده از یک مطالعه مقطعی مساعدت به دیگران نیز مورد بررسی قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر به خصوص مقایسه تحول استدلالی پسران و دختران در این دوره بوده است. یادگیری ایفای نقش‌های اجتماعی در متن جامعه‌پذیری روی می‌دهد که هر چند بخش اعظم آن در دوره کودکی است، اما روندی است که در سراسر عمر ادامه دارد. از طرف دیگر اجتماعی شدن نه فقط شامل نقش‌گیری اجتماعی بلکه شامل مقوله‌های رشد شخصیت نیز می‌گردد (چیتامبار، 1385).

بنابراین در کنار مقایسه بین جنسیتی نوجوانان دختر و پسر راهنمایی در استدلال‌های معطوف به رفتارهای جامعه‌یار، هدف دیگر پژوهش حاضر مقایسه بین جنسیتی نوجوانان دختر و پسر 12 تا 14 ساله در گرایش‌های شخصیتی مساعدت به دیگران نیز بوده است. هورنای (1364) این گرایش‌ها را به سه دسته نیاز به علاقه و محبت به دیگران، نیاز به داشتن یک مونس و حامی و نیاز به محدود کردن هدفها، خواستها و آرزوهای خود در زندگی تقسیم نموده است. این سه دسته نیاز براساس پرسشنامه هورنای<sup>2</sup> و کولیدج<sup>3</sup> (کولیدج، سگال، بی‌نایت و دانیلان<sup>4</sup>، 2004) به سه دسته نועدوستی، نیاز به رابطه و خودخوارسازی تقسیم شده است.

- 
1. Hastings, Rubin & DeRose
  2. Horney
  3. Coolidge
  4. Coolidge, Segal, Benight & Daneilan

## روش

این پژوهش از زمره پژوهش‌های پس رویدادی (علی - مقایسه‌ای) است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه نوجوانان 12 تا 14 ساله دختر و پسر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی 86-87 در شش ناحیه شهر اصفهان تشکیل داده‌اند. این دانش‌آموزان در مقطع راهنمایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. در پژوهش حاضر، 240 نوجوان مشغول به تحصیل در دوره راهنمایی در شش ناحیه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری به این ترتیب بوده که براساس نسبت جمعیت هر ناحیه در کل جامعه به همان نسبت نیز برای نمونه انتخاب شده‌اند. انتخاب نمونه بر اساس تحلیل زیرگروه (گال، بورگ و گال، 1382) انجام گرفت. به نحوی که در پایان پس از نمونه‌گیری از 240 نفر کل نمونه، 120 نفر پسر و 120 نفر دختر در سه گروه سنی 12، 13 و 14 سال قرار گرفتند. در واقع از 240 نفر گروه نمونه 80 نفر 12 ساله، 80 نفر 13 ساله و 80 نفر 14 ساله بوده‌اند، که در هر گروه سنی نیز نیمی دختر و نیمی پسر (در مجموع دو گروه 120 نفری) بوده‌اند. انتخاب این نمونه در عین حال برای کنترل عامل سن به خصوص برای کنترل سطح استدلال تحولی رفتار جامعه‌یار بوده است. البته یک نمونه 100 نفری دیگر نیز بطور مستقل قبل از شروع پژوهش اصلی برای سنجش پایائی (برحسب آلفای کرونباخ و پایائی بازآزمایی با فاصله یک ماه آزمون - آزمون مجدد) استفاده شده‌اند.

## ابزار

استدلال جامعه‌یار<sup>1</sup>: برای سنجش استدلال تحولی جامعه‌یار از معمای داستان جشن تولد که توسط آیزنبرگ، لنون و رات<sup>2</sup> (1983) ساخته و اجرا و توسط یوسفی لویه و همکاران (1383) برای اولین بار به فارسی برگردانده شده است، استفاده شد. شیوه اجرای این معما را یوسفی لویه و همکاران (1383) توضیح داده‌اند. شیوه عمل به هر حال بدین شکل است که معما در قالب داستان برای نوجوانان یا کودکان خوانده می‌شود و سپس درباره داستان دو سؤال اصلی پرسیده می‌شود (در قالب احساس فرد برای کمک کردن و نکردن و چرایی آن). با ثبت پاسخ فرد براساس ملاکهایی که آیزنبرگ (1982) ارائه نموده سطح استدلال جامعه‌یار فرد تعیین می‌شود. یوسفی لویه و همکاران (1383) روایی

1. prosocial reasoning

2. Eisenberg, Lennon &amp; Roth

محتوایی این معما را با اجرا بر روی 20 نفر از کودکان و نوجوانان بررسی و تأیید نموده‌اند. برای بررسی پایایی نیز در مطالعه یوسفی لویه و همکاران (1383) از پایایی بازآزمایی استفاده شده که نتیجه آن حاکی از آن است که بین سطوح استدلال رفتار جامعه‌یار در دوبار با فاصله یک هفته تفاوت معناداری وجود ندارد. در این پژوهش نیز با استفاده از 100 نفر نوجوان 12 تا 14 ساله دختر و پسر با فاصله یک ماه دوبار معمای مذکور به مرحله اجرا درآمد که نتایج حاصله حاکی از آن بود که در سطوح استدلال رفتار جامعه‌یار با یکدیگر در فاصله چهار هفته تفاوت معناداری ( $P > 0/05$ ) وجود ندارد. ضرایب پایایی (همبستگی) بین دو بار سنجش در این پژوهش بین 0/67 تا 0/79 که در سطح  $P < 0/01$  معنادار بود بدست آمد.

مقیاس رفتار مساعدت به دیگران<sup>1</sup>: برای سنجش رفتار مساعدت به دیگران از پرسشنامه مساعدت به دیگران هورنای و کولیج (کولیج و همکاران، 2004) که دارای 15 سؤال است استفاده شد. هر پنج سؤال این پرسشنامه مربوط به یکی از سه زیرمقیاس نعدوستی<sup>2</sup>، نیاز به رابطه<sup>3</sup> و خودخوارسازی<sup>4</sup> است. این پرسشنامه اساساً توسط والدین کودکان پاسخ داده می‌شود و مقیاس پاسخگویی آن طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = 1 تا کاملاً موافقم = 5) است. در واقع محتوای اصلی این پرسشنامه به تمایلات رفتاری مساعدت به دیگران بر مبنای گرایش‌های نعدوستانه، تمایل برای برقراری رابطه و احیاناً مساعدت برای خوار نمودن ناخودآگاه و ناخواسته خویش بازمی‌گردد. شواهد روایی و پایایی<sup>5</sup> این پرسشنامه توسط کولیج و همکاران (2004) در حد قابل قبولی (آلفای کرونباخ 0/9) گزارش شده است. آلفای کرونباخ گزارش شده برای این پرسشنامه به ترتیب برای سه زیرمقیاس نعدوستی، نیاز به رابطه و خود خوارسازی 0/83، 0/81 و 0/86 گزارش شده است. عریضی و همکاران (1386) در ایران این مقیاس را بومی سازی نموده و روایی و پایایی آن را مطلوب گزارش نموده‌اند. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش عریضی و همکاران (1386) در همان دامنه آلفای کرونباخ گزارش شده توسط

1. Compliance Behaviors Scale (CBS)

2. altruism

3. need for relation

4. Self humiliation

5. reliability

کولیج و همکاران (2004) یعنی بین 0/8 تا 0/85 می‌باشد. ضرایب آلفای کرونباخ و بازآزمایی این پرسشنامه و زیرمقیاس‌های آن در پژوهش حاضر در جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1- ضرایب پایائی پرسشنامه مساعدت به دیگران و زیرمقیاس‌های آن

ردیف	شاخصهای پایائی مقیاسها	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ	بازآزمایی
1	نوع دوستی	5	0/8	0/74
2	نیاز به رابطه	5	0/82	0/71
3	خوددخوارسازی	5	0/84	0/79
4	کل پرسشنامه	15	0/89	0/78

#### یافته‌ها

در جداول 2 نتایج مقایسه نسبت دختران و پسران در سه گروه سنی در سطوح استدلال جامعه‌یار ارائه شده است.

جدول 2- نتایج مقایسه نسبت دختران و پسران در سه گروه سنی در سطوح استدلال جامعه یار

مقدار Z	14 ساله				مقدار Z	13 ساله				مقدار Z	12 ساله				گروه سنی	سطوح استدلال رفتار جامعه یار
	دختران		پسران			دختران		پسران			دختران		پسران			
	P	F	P	F		P	F	P	F		P	F	P	F		
.	-	-	-	-	.	-	-	-	-	1/02	3	1	8	3	جهت گیری نیاز به دیگران	
0/75	27	11	35	14	0/66	67	27	60	24	0/29	67	27	65	26	جهت گیری تأیید	
0/77	73	29	65	26	0/66	33	13	40	16	0/1	30	12	27	11	جهت گیری همدلانه	
.	-	-	-	-	.	-	-	-	-	.	-	-	-	-	جهت گیری ارزشهای درونی	
.	100	40	100	40	.	100	40	100	40	.	100	40	100	40	کل	

چنانکه در جدول (2) قابل مشاهده است، بسامد یا فراوانی پاسخ‌های مربوط به هر یک از جهت‌گیری‌های استدلال رفتار جامعه یار، شامل جهت‌گیری نیاز به دیگران، جهت‌گیری تأیید، جهت‌گیری همدلانه و جهت‌گیری ارزشهای درونی، همراه با نسبت‌های آنها به تفکیک گروه‌های سنی و جنسی حاکی از تفاوت بسیار کم بین گروه‌های دختران و پسران است و Z گلاس محاسبه شده نیز حاکی از آن است که بین دختران و پسران 12، 13 و 14 ساله از نظر استدلال رفتار جامعه یار با یکدیگر تفاوت معناداری ( $P > 0/05$ ) وجود ندارد. در جدول (3) موارد معنادار در گروه‌های سنی سه‌گانه پژوهش در سطوح استدلال رفتار جامعه یار آمده است.

جدول 3- نتایج مقایسه نسبت گروه‌های سنی 12، 13 و 14 سال در سطوح استدلال رفتار جامعه یار

مقدار Z	مقایسه 13 با 14 سال				مقدار Z	مقایسه 12 با 14 سال				گروه سنی
	14 سال		13 سال			14 سال		12 سال		
	P	F	P	F		P	F	P	F	
										سطوح استدلال رفتار جامعه یار
4/7*	31	25	64	51	4/43*	31	25	66	53	جهت‌گیری تأیید
4/4*	69	55	36	29	4/17*	69	55	29	23	جهت‌گیری همدلانه

\* $P < 0/05$

چنانکه در جدول (3) قابل مشاهده است در جهت‌گیری تأیید نسبت گروه سنی 12 سال و 13 سال (به ترتیب 66 درصد و 64 درصد) از نسبت گروه سنی 14 ساله (31 درصد) بطور معناداری ( $P < 0/05$ ) بالاتر بوده است. در واقع گروه‌های سنی 12 و 13 سال نسبت به گروه سنی 14 سال دارای جهت‌گیری تأیید در بعد استدلال شناختی برای رفتار جامعه یار هستند. اما در جهت‌گیری همدلانه ماهیتاً گروه سنی 14 سال از دو گروه سنی 12 سال و 13 سال (69 درصد در برابر 29 و 36 درصد) دارای تفاوت معناداری ( $P < 0/05$ ) بوده اند. بدین ترتیب دیده می‌شود که رشد شناختی مبتنی بر همدلی در سن 14 سالگی بطور برجسته ای نمایان می‌شود. در جدول 4 نتایج مقایسه دختران و پسران گروه‌های سنی مختلف در ابعاد مساعدت به دیگران ارائه شده است.

جدول 4 - مقایسه دختران و پسران گروههای سنی مختلف در ابعاد مساعدت به دیگران

14 ساله				13 ساله				12 ساله				گروه سنی	ابعاد مساعدت به دیگران
t	S <sub>p</sub>	انحراف معیار	میانگین	t	S <sub>p</sub>	انحراف معیار	میانگین	t	S <sub>p</sub>	انحراف معیار	میانگین		
6/42*	0/71	3/27	12/74	5/75*	0/65	2/96	13/34	4/76*	0/96	3/08	12/16	پسران	تذکره سنی
		3/11	17/31			2/82	17/08			2/94	16/73	دختران	
5/07*	0/70	3/08	16/29	5/11*	0/6	2/76	11/52	6/64*	0/62	2/83	16/17	پسران	تذکره به رابطه
		3/22	19/84			2/63	14/59			2/73	18/29	دختران	
3/79*	0/74	3/41	14/27	6/57*	0/64	2/92	11/27	7/34*	0/69	3/13	9/16	پسران	تذکره خوار سازی
		3/22	17/08			2/84	15/48			3/08	14/23	دختران	

\*P&lt;0/05

چنانکه در جدول 4 دیده می‌شود، پسران و دختران در ابعاد مساعدت به دیگران در حوزه نועدوستی، نیاز به رابطه و خودخوارسازی با یکدیگر دارای تفاوت معناداری ( $P < 0/05$ ) هستند. در هر سه حوزه نועدوستی، نیاز به رابطه و خود خوار سازی و در سه گروه سنی 12، 13، و 14 سال دختران نسبت به پسران میانگینهای بالاتری کسب نموده‌اند. در واقع دو گروه (دختر و پسر) در سطوح استدلال رفتار جامعه‌یار (جدول 2) با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند ( $P < 0/05$ )، اما در مساعدت به دیگران در هر سه گروه سنی دختران گرایش‌ات سه‌گانه‌اشان در مساعدت به دیگران بیش از پسران است. بنابراین به نظر می‌رسد که رفتارهای جامعه‌یار بیش از آنکه تحت تأثیر استدلال شناختی برای این رفتارها قرار گیرد، تحت تأثیر گرایش‌ات شخصیتی مساعدت به دیگران است.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش مقطعی نشان داد که دختران و پسران سنین 12 تا 14 ساله (جدول 2) در هیچ یک از جهت‌گیری‌های استدلالی معطوف به رفتار جامعه‌یار (شامل جهت‌گیری نیاز به دیگران، جهت تأیید، جهت‌گیری همدلانه و جهت‌گیری ارزشهای درونی) با یکدیگر دارای تفاوت نیستند. در خصوص تبیین این یافته، نظریه‌پردازی‌های اولیه در باب استدلال‌های شناختی و اخلاقی دختران و پسران، تفاوت‌هایی را بین دختران و پسران بدلیل فرایندهای متفاوت نقش‌گیری<sup>1</sup> مطرح ساخته‌اند. اما شواهد تحقیقی این حوزه نظیر هستینگز و همکاران (2005) و یوسفی لویه و همکاران (1383) حاکی از آن است که صرف استدلال‌های شناختی که از نقش‌گیری متأثر می‌شود، قادر به توضیح تفاوت‌هایی که بین دختران و پسران در حوزه رفتارهای جامعه‌یار وجود دارد، نمی‌باشد. البته هستینگز و همکاران (2005) برخی تفاوت‌های جزئی را بین برخی از اشکال استدلال‌های دختران و پسران گزارش نموده‌اند، ولی در کل در نتیجه‌گیری‌های خود تا اندازه‌ای بر این امر تأکید نموده‌اند که تفاوت کلی معناداری بین رفتارهای جامعه‌یار دختران و پسران با احتمال زیاد وجود ندارد. در همین راستا به نظر می‌رسد که بین نحوه استدلال و سطوح استدلال شناختی و اخلاقی پسران و دختران در رفتارهای جامعه‌یار آنگونه که در این پژوهش نیز مشخص شد تفاوتی وجود ندارد. البته آیزنبرگ و همکاران (1991) زمانی که

بجای سطوح استدلال، رفتارهای عینی جامعه‌یار را مورد بررسی قرار دادند به این نتیجه دست یافتند که دختران و زنان در سطوح 4 و 5 (جهت‌گیری همدلانه و جهت‌گیری ارزشهای درونی) نسبت به مردان و پسران در این سطح، تمایل بیشتری به انجام رفتارهای جامعه‌یار نظیر کمک کردن به دیگران دارند. به هر حال یافته‌های این پژوهش این ایده را که رفتارهای جامعه‌یار و استدلهای مربوط به آن در دختران و پسران سیری مشابه را طی می‌کنند بطور نسبی تأیید می‌کند.

از نظر تفاوت‌های سنی، مطابق آنچه که در جدول 3 نشان داده شد، نتایج حاصل از این پژوهش از جهاتی با نتایج گزارش شده توسط آیزنبرگ و همکاران (1991) همسو و از جهاتی دیگر ناهمسو است. البته سیر تحول جهت‌گیری‌های استدلالی مطرح شده توسط آیزنبرگ و همکاران (1991) در کل با نتایج حاصل از این پژوهش همخوانی دارد. بر اساس نظر آیزنبرگ و همکاران (1991) جهت‌گیری مبتنی بر تأیید از زمره سطوح پائین‌تر تحول شناختی در حوزه رفتارهای جامعه‌یار است. در واقع در این سطح کودکان و نوجوانان فقط برای دریافت تأیید اجتماعی و یا آنچه جامعه از بعد رفتاری از انسانها انتظار دارد تمایل به رفتارهای جامعه‌یار از خود نشان می‌دهند. اما در جهت‌گیری همدلانه، فرد بر اساس توانایی جای‌گذاری خود در موقعیت دیگران به این گونه رفتارها تمایل نشان می‌دهد. در واقع در این سطح فرد به خود می‌گوید اگر من به جای او بودم انتظار کمک می‌داشتم و لذا بر این پایه اقدام به یاری‌رسانی می‌کند. آن طور که جدول 3 مشخص می‌کند در گروه دوازده‌ساله‌ها نسبت بیشتری دارای جهت‌گیری تأییدی بوده‌اند و در سیزده سالگی هم باز همین وضعیت دیده می‌شود. اما در چهارده سالگی جهت‌گیری همدلانه شده است. در این ارتباط می‌توان از شروع یک دوره حساس<sup>1</sup> در استدلال شناختی معطوف به رفتارهای جامعه‌یار سخن به میان آورد. این دوره زمانی بحرانی احتمالاً پایان سیزده سالگی و آغاز چهارده سالگی است. با گذر نوجوانان دختر و پسر از این دوره حساس با احتمال بیشتری اگر زمینه‌های تقویت همدلی در خانواده و مدرسه فراهم آید (داویدوف و گروسک، 2006)، نوجوانان با موفقیت دوره جهت‌گیری‌های همدلانه را پشت سر می‌گذارند. در این راستا حداقل مطالعات طولی چهارساله در دوره دبیرستان که امکان دسترسی به دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد بخوبی می‌تواند نشان دهد

که در صورت عدم عبور موفقیت‌آمیز چه تبعات رشدی و شخصیتی در طول دوره دبیرستان برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود (آیزنبرگ و والتنه، 2002). البته مطالعه و تحلیل درون فردی داده‌های حاصل از مطالعات آیزنبرگ و همکاران (1991) حاکی از آن است که در روند رشد اخلاقی و شناختی برخی نوجوانان در طول گذار از نوجوانی افت و تضعیف شیوه‌های استدلالی و گرایش‌های رفتاری جامعه‌یار دیده می‌شود.

آخرین بخش نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در گرایش‌های شخصیتی مساعدت به دیگران (در سه حوزه نועدوستی، نیاز به رابطه و خودخوارسازی) در بین دختران و پسران 12 تا 14 ساله تفاوت وجود دارد. تفاوت حاصله حاکی از آن بود که بطور کلی دختران در نועدوستی، نیاز به رابطه و خودخوارسازی امتیازات بالاتری کسب می‌کنند. در واقع این یافته با یافته‌های عریضی و همکاران (1386) مبنی بر اینکه شخصیت اساسی زن ایرانی اساساً بر از خودگذشتگی، توجه به نیازهای دیگران و همدلی استوار است همسویی نشان می‌دهد. چنانکه به خوبی روشن است علیرغم اینکه هورنای (1364) و (1367) این گونه گرایش‌های شخصیتی معطوف به ارتباط نزدیک با دیگران، نیاز به تأیید دیگران و امثال آن را در اشکال افراطی خود به عنوان گرایش‌های شخصیتی روان-رنجورخویی مطرح نموده، ولی بهرحال این نوع گرایش‌ها در حالت‌های ضعیف‌تر در افراد فاقد اختلال و مشکل نیز می‌تواند وجود داشته باشد. بهرحال یافته‌های این بخش از پژوهش اساساً این ایده را به ذهن متبادر می‌سازد که دختران ایرانی با احتمال زیادی از همان سنین کودکی به گونه‌ای تربیت می‌شوند که نمودهای شخصیت نועدوست، از خودگذشته و همدل (علیرغم اینکه در این روند حتی اگر خود را نیز خوار سازند) را از خود به نمایش می‌گذارند. در واقع شاید بتوان از منظری دیگر این پدیده را نگریست و آن اینکه شخصیت دختر ایرانی و بعدها زنان ایرانی ماهیتاً بر پایه ترغیب به همدلی، نועدوستی و تعریف خود در سایه ارتباط با دیگران شکل داده می‌شود. در حالی که این روند در مورد پسران و مردان در حد ضعیف‌تری است. البته به نظر می‌رسد سیر تعاملی و تحولی بشر کنونی صرف نظر از ملیت و مرز و بوم چنین تمایلی را پدید آورده است. چرا که مطالعات آیزنبرگ و همکاران (1991) نیز حاکی از آن است که زنان در مواردی از رفتارهای جامعه‌یار (که بخش اعظمی از آنها بر نועدوستی و مساعدت و کمک به دیگران قرار دارد) گوی سبقت را از مردان می‌ربایند. بنابراین نتیجه نهایی این پژوهش این واقعیت

است که رفتارهای جامعه‌یار دختران و پسران ایرانی از شخصیت آنها و نحوه تربیت و آموزش خانوادگی و اجتماعی آنها تأثیر زیادی می‌پذیرد. بنابراین لازم است برای قطعیت این نتیجه‌گیری این پژوهش هم به صورت مقطعی و هم به صورت طولی در نقاط مختلف کشور تکرار شود. در پایان لازم است به برخی محدودیت‌های پژوهش حاضر نیز توجه لازم و کافی بشود. اولین محدودیت پژوهش حاضر اینکه گروه نمونه پژوهش دختران و پسران دانش آموز سنین 12 تا 14 سال بودند، لذا در تعمیم نتایج به گروه‌های سنی دیگر لازم است احتیاط صورت گیرد. محدودیت دوم اینکه استدلال رفتارهای جامعه‌یار و رفتار مساعدت به دیگران در این پژوهش بصورت مقطعی و در قالب مقایسه بین سه گروه سنی 12، 13 و 14 سال مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس تفسیر تحول طولی یافته‌ها چندان منطقی بنظر نمی‌رسد.

#### منابع

- بیرهوف، هانس، ورنر. (1384). رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی. ترجمه: رضوان صدقی‌نژاد. چاپ اول، تهران: نشر گل‌آذین. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی 2002).
- چیتامبار، جان بندیک، سوپراکاش. (1385). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی. ترجمه: احمد حجاران و مصطفی ازکیا. تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار اثر در کتاب ترجمه شده نامشخص است).
- گلاس، جین، و استنلی، جولین سی. (1368). روشهای آماری در تعلیم و تربیت و روانشناسی. ترجمه: مهتاش اسفندیاری و جمال عابدی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی 1970).
- عریضی، فروغ، عالی، شهین، و عریضی، حمید رضا. (1386). رابطه شخصیت سرپرستان برطبق نظریه کارن هورنای با رضایت همکار و زیردست و سبکهای رهبری آنان. مجموعه مقالات هفته پژوهش دانشگاه اصفهان.
- کوزر، لوئیس آلفرد و روزنبرگ، برنارد. (1378). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه: فرهنگ ارشاد، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- (تاریخ انتشار اثر در کتاب ترجمه شده نامشخص است).

گال، مردیت، بورگ، والتر، وگال، جويس. (1382). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی - جلد اول. مترجمان: احمدرضا نصر و همکاران. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی 1996).

هورنای، کارن. (1364). تضادهای درونی ما. ترجمه: محمدجعفر مصفا. چاپ پنجم، تهران: انتشارات بهجت. (تاریخ انتشار اثر در کتاب ترجمه شده نامشخص است).  
هورنای، کارن. (1367). خودکاوی. ترجمه: کامبیز پارسا. چاپ پنجم، تهران: انتشارات بهجت. (تاریخ انتشار اثر در کتاب ترجمه شده نامشخص است).  
یوسفی لویه، مجید، فرضی، مرجان، پازند، افسانه، و یوسفی لویه، معصومه. (1383). تحول استدلال جامعه‌پسندانه کودکان و نوجوانان 5 تا 15 ساله. پژوهش‌های روان‌شناختی، 14(3 و 4)، 30-41.

- Burbach, A. D., Fox, R. A., & Nicholson, B. C. (2004). Challenging behaviors in young children: The father's role. *Journal of Genetic Psychology*, 165, 169-183.
- Coolidge, F.L., Segal, D.L., Benight, C.C., & Daneilan, G. (2004). The predictive power of Coolidge-Horney's psychoanalysis approach: An empirical study. *American Journal of Psychoanalysis*, 64, 367-374.
- Daehler, M.W., & Bukatko, D. (1995). *Child development*. New York: Alfreda, Khopf, Inc.
- Davidov, M., & Grusec, J. E. (2006). Untangling the links of parental responsiveness to distress and warmth to child outcomes. *Child Development*, 77, 44-58.
- Eisenberg, N. (1982). The development of reasoning regarding prosocial behavior. In N. Eisenberg (Ed), *the development of prosocial behavior*. (PP.219-249). New York: Academic Press.
- Eisenberg, N., Lennon, R., Roth, K. (1983). Prosocial development: A longitudinal study. *Development Psychology*, 19, 846-855.
- Eisenberg, N., Miller, P.A., Shell, R., McNally, S., & Shea, C. (1991). Prosocial development in adolescence: A longitudinal study. *Development Psychology*, 27, 849-857.
- Eisenberg, N., & Valiente, C. (2002). Parenting and children's prosocial and moral development. In M. H. Bornstein (Ed.),

- Handbook of parenting: Vol. 5. Practical issues in parenting (2nd ed., pp. 111–142).* Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Fabes, R.A., Eisenberg, N., Nyman, M., & Mischealieu, Q. (1991). Young children's appraisals of others spontaneous emotional reactions. *Developmental Psychology*, 27, 858-866.
- Garner, P.W. (2003). Child and family correlates of toddlers' emotional and behavioral responses to a mishap. *Infant Mental Health Journal*, 24, 580–596.
- Gill, K. L., & Calkins, S. D. (2003). Do aggressive/destructive toddlers lack concern for others? Behavioral and physiological indicators of empathic responding in 2-year-old children. *Development and Psychopathology*, 15, 55–71.
- Grusec, J.E. (1991). Socializing concern for others in the home. *Developmental Psychology*, 27, 338-342.
- Hastings, P. D., Rubin, K. H., & DeRose, L. (2005). Links among gender, inhibition, and parental socialization in the development of prosocial behavior. *Merrill-Palmer Quarterly*, 51, 501–527.
- Hastings, P. D., Zahn-Waxler, C., & McShane, K. (2005). We are, by nature, moral creatures: Biological bases of concern for others. In M. Killen, & J. Smetana (Eds.), *Handbook of moral development (pp. 483–516)*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Hay, D. F., & Pawlby, S. (2003). Prosocial development in relation to children's and mothers' psychological problems. *Child Development*, 74, 1314–1327.
- Hoffman, M.L. (2000). *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Magnusson, D., Bergman, L.R., Rudinger, G., & Torestad, B. (Eds.). (1994). *Problems and methods in longitudinal research: stability and change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Papalia, D.E., & Olds, S.W. (1992). *Human development*. New York: McGraw-Hill Book Company.
- Penner, L.A., & Finekelstein, M.A. (1998). Dispositional and structural developments of volunteerism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1148-1158.
- Persson, G. E. B. (2005). Young children's prosocial and aggressive behaviors and their experiences of being targeted for similar behaviors by peers. *Social Development*, 14, 206–228.

- Scourfield, J., John, B., Martin, N., & McGuffin, P. (2004). The development of prosocial behavior in children and adolescents: A twin study. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 45, 927-935.
- Strayer, J., & Roberts, W. (2004). Children's anger, emotional expressiveness, and empathy: Relations with parents' empathy, emotional expressiveness, and parenting practices. *Social Development*, 13, 229-254.
- Ulutas, I., & Aksoy, A. (2009). Learning with play: how play activities program improve prosocial behavior of six year old children? *Humanities & Social Sciences Journal*, 4(1), 39 - 44.
- Zahn-Waxler, C. (2000). The early development of empathy, guilt, and internalization of responsibility: Implications for gender differences in internalizing and externalizing problems. In R. Davidson (Ed.), *Wisconsin symposium on emotion: Anxiety, depression, & emotion (Vol. 1, pp. 222-265)*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Zahn - Waxler, C., Radke-Yarrow, M., Wagner, E., & Chapman, M. (1992). Development of concern for others. *Developmental Psychology*, 28, 126-136.

Archive of SID